

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

از دانشمند محترم :

محمد . ح . بهشتی

حکومت در اسلام

۴

حکومت پیغمبران

وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله

هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر برای آن که باذن خدا

از او فرمانبرداری شود قسمتی از آیه ۶۴ سوره نساء

تا آنجا که در آیات و روایات و کلمات فقها و متکلمین اسلام ، مخصوصاً در دوره های نخستین ، تفحص شده ، کلامه حکومت ، بمعنی فرمان - زوایی بکار نرفته ، و کلمات ولایت یا امامت در معنی مزبور ، استعمال شده است .

در این ادوار ، هر جا حکومت یا حکم گفته شود ، مقصود قضاء

و داوری است و حکم در معنی قضاء مکرر در قرآن آمده است .

در سوره انعام آیه ۷۹ پس از آنکه نام عده ای از پیغمبران

برده شده میفرماید: اینها نیستند کسانی که بآنها کتاب و حکم و نبوت دادیم

و نظیر این تعبیر ، در چند مورد دیگر ، نیز آمده است ، ولی با توجه بموارد دیگری که حکم در قرآن استعمال شده نمیتوان مطمئن شد که غیر از معنی قضاء و حکم میان حق و باطل ، بطور کلی یاد در خصوص حقوق مردم معنی دیگری مقصود باشد. ولی در عنوان این مقاله و اثناء این مبحث ، کلمه حکومت ، بهمان معنی مصطلح امروز یعنی حکمرانی و فرمان-روائی ، و در دست داشتن اداره امور جامعه ، بکار رفته است .

حکومت پیغمبران

مقصود اصلی از بعثت پیغمبران این ، نیست که بر جامعه حکومت کنند ؛ انبیاء در درجه اول راهنمایان برگزیده خداوند و منظور اصلی از بعثت آنها هدایت مردم است .

آنها میآیند که پرده اختلاف آراء و عقائد در شناختن حق و حقیقت را کنارزنند ، و آنرا بر مردم بشناسانند ، بر خلق راهی بسوی خالق بگشایند ، و آنها را برایمان بخدا و روز ستاخیز و نیکو کاری برانگیزند ، بشوای الهی نوید دهند ، و از عذاب او بترسانند .

كان الناس امة واحدة . فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه .

مردم همه يك امت بودند ؛ بعد خدا پیغمبران را ، نوید دهند و ترساننده ، برانگیخت و با آنها کتاب بحق فرستاد ، تا میان مردم ؛

در آنچه آراء و عقائد گوناگون داشتند، داوری کند (قسمتی از آیه ۲۱۳ سوره بقره .)

وما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین

پیغمبران را نمیفرستیم مگر نوید دهنده و ترساننده (قسمتی

از آیه های ۴۸ سوره انعام و ۵۶ سوره کهف .)

از مجموع آیات قرآن، درباره نبوت و بعثت انبیاء، این اصل

استفاده میشود، که کار یک پیغمبر، بکار یک مربی و راهنمای فکری

و معنوی، نزدیکتر است، تا بکار یک حکمران یا زعیم سیاسی .

باینحال، اطاعت از فرمان پیغمبران، از هر قبیل که باشد، بر

مردم لازم است .

وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله

هیچ پیغمبری نفرستادیم، مگر برای آنکه باذن خدا فرمان او برده شود

بنا بر این، اطاعت پیغمبران قانونی الهی است که برای

همه مردم، نسبت به همه انبیاء مقرر شده است . مخالفت فرمان پیغمبر

گناه، و موجب عقوبت اخروی است . خواه فرمان او در امور دینی باشد

خواه در امور دنیوی، خواه در امور شخصی و فردی و خواه در امور اجتماعی،

خواه در امور قضائی باشد و خواه در امور سیاسی . ولی همین اندازه

کافی نیست که بگوئیم، همه پیغمبران عملاً منصب حکومت

نیز داشته اند .

آنچه مسلم است، بسیاری از پیغمبران با مقام نبوت حکومت

نیز کرده اند، و مقام نبوت و منصب حکومت، هر دو از جانب خدا بآنها

داده شده است .

این حکومت ، اغلب ساده و بی پیرایه ، و شبیه کار يك رهبر اخلاقی انقلابی و زعيم سياسی بوده است ، که دور از پیرایه های حکمرانان دیگر ، در میان مردم و هم رنگ آنها زندگی کند و حتی از عناوین و القاب حکومتی بپرهیزد ، و خوش ندارد او را امیر یا پادشاه یا نظیر آن بنامند .

گاهی نیز ، حکومت انبیاء شبیه سلطنت و توأم با تشریفات ملوکانه بوده ، و در این موارد است ، که از این منصب الهی بملك و پادشاهی تعبیر شده است .

داود پیغمبر و پادشاه بنی اسرائیل

سالها از رحلت حضرت موسی عليه السلام گذشته بود ، یهود در اثر غرور و تخلف از قوا نین و سنن الهی ، بیخاندان و پریشا نحال و خوار و ذلیل شده بود . دشمنان بنی اسرائیل بر آنها چیره شده ، و آنها را از خانه و کاشانه خود آواره کرده بودند .

یهود که از این وضع بستوه آمده بودند ؛ پیش پیغمبر زمان خود که شمعون یا یوشع یا سموئیل ، نام داشت ، آمدند ، و از او خواستند که بر آنها امیری بگمارد ، تا همه گر داو جمع شوند ، و فرمان او را گردن نهند ، با دشمنان خود بجنگند و عزت خود بازیابند .

پیغمبر پس از گرفتن پیمانهای مؤکد بر اطاعت کامل از امیری که تعیین میشود ؛ و اقدام جدی بجنگ بادشمنان خدا ، بآنها خبر داد ،

که خداوند طالوت ، یکی از مردان نیرومند و دانا و مدبر بنی اسرائیل را ، بر آنها امیر کرده است .

طالوت نه شاهزاده بود ، و نه ثروتمند ؛ بدینجهت حکومت او بر بنی اسرائیل گران میآمد ، ولی در آن موقع بحرانی چاره‌ای جز این نیافتند ، که بهانه های بنی اسرائیلی را کنار بگذارند ، و برای رهائی خود بکوشند .

طالوت لشکری آراست ، و بجانب دشمن رهسپار شد . در راه از کنار نهری میگذشتند ، برای اینکه افراد مورد اعتماد سپاه خود را بشناسد ، فرمان داد که هیچ يك از افراد سپاه حق ندارد ، بیش از يك کف از آب نهر بنوشد .

عده‌ای نوشیدند ، ولی بسیاری از آنها باین فرمان اعتناء نکردند و هرچه خواستند ، خوردند .

طالوت بهر ترتیب بود ، با دشمن سرسخت خود جنگید .

در میدان جنگ یکی از سپاهان دلیر او ، داود ، فرمانده سپاه

دشمن ، جالوت را کشت .

سپاه دشمن درهم شکست ؛ و بنی اسرائیل پیروز شدند .

پس از چندی ، داود از جانب خدا بمقام پیغمبری و پادشاهی رسید ،

(اقتباس از آیه‌های ۲۴۶ تا ۲۵۱ سوره بقره) .

سلیمان پیغمبر و پادشاه پر شوکت و جلال

پس از مرگ داود ، سلیمان ، پیغمبر و پادشاه بنی اسرائیل شد .

سلیمان چنان دستگاه پر شکوهی داشت ، که نامش در تاریخ بشوکت و جلال ماند ، وحشمت سلیمانی ضرب المثل شد .
مثلا راهروی ورودی کاخ مجلل او ، از بلور فروش شده بود ، و آنقدر صاف و درخشنده بود ، که ملکه ثروتمند سبا ، هنگام ورود بکاخ ، گمان کرد آب است ، و پای خود را برهنه کرد که از آن بگذرد .
(اقتباس از آیه های ۱۵ تا ۴۳ سوره نمل).

صفات مشترک حکومت پیغمبران

حکومت پیغمبران ، بهر صورت که باشد ، ساده و بی پیرایه ، یا پر فر و شکوه ، حکومت الهی ، ثنوکراسی است و در صفات اصلی زیر که این نوع حکومت را از انواع دیگر ، جدا میکند ، مشترک است .
۱ - مقام حکومت ، از جانب خداوند به پیغمبران داده میشود .

وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله (باذن الله)

خدا بهر پیغمبری مقام حکومت داده ، از او باز نگرفته ، و هیچ عامل دیگر در اعطاء ، این منصب به پیغمبران ، دخالت ندارد ، تا اختیار عزل آنها را داشته باشد .

۲ - در حکومت های دیگر ، انگیزه مردم بر اطاعت از قوانین و مقررات و دستور های حکومت ، ریشه اجتماعی یا ترس از مجازات های قانونی یا غیر قانونی دستگاه حکومت است ، ولی در حکومت پیغمبران پیش از اینکه نوبت باین دو عامل برسد ، ایمان مذهبی و علاقه دینی و احترام معنوی و امید ثواب یا ترس از عقاب اخروی ، مردم را بر عبادت قوانین

واطاعت فرمانهای حکومت و امیدارد .

۳- رئیس حکومت ، یعنی پیغمبر ، در نظر مردم از هواپرستی وزیر یا گذشتن حقوق مردم ؛ در راه هوا و هوس خویش ، یا مسامحه و سهل-انگاری در حفظ حقوق آنها معصوم و منزله است . بهمین جهت حکومت او برداراست ، و آنها که باو ایمان آورده اند ؛ فرمانش را از جان و دل میپذیرند .

۴- اگر دستگاره رئیس حکومت ، تشریفات سلیمانی داشته باشد بحساب مقتضیات خارجی ، و ضرورت محیط گذارده میشود ، نه بحساب عیش و نوش شخص رئیس حکومت و اطرافیان ، یا ارباب بیچارگان ، و حکمرانی جابرانه بر مردم . چون رئیس حکومتی که مردم او را عیاش و هو سران بشناسند ، هرگز نمیتواند در نظر آنها ارزش مقام پیغمبری داشته باشد . جاه و جلال سلیمانی بادستگاه برجبروت فرعونی در نظر همه کس فرق دارد ، و قضاوت عمومی ، نظر سادۀ توده مردم و دیده تیز بین و فکر دردرس و اندیشه ریز سنج خرد مندان و صاحب نظران آندورا از هم بخوبی باز میشناسند .

۵- هدف حکومت پیغمبران در درجه اول پیش برد دعوت الهی و دینی است ، که برای تأسیس و تشریح ، یا توسعه و ترویج آن از جانب خدا مبعوث شده اند ، و هرگونه فعالیت فردی یا اجتماعی تحت-الشعاع این هدف مقدس است .